

به نام خدا

گلرخ

www.ketab.ir

۴

مریم حسنی (راد)

سرشناسه: حسنی، مریم، ۱۳۵۱
 عنوان و نام پدیدآور: گلرخ / مریم حسنی (راد): سرویراستار: مژگان مدیری: ویراستاران:
 سمانه سعادتیان، زینب حیدری فرد
 وضعیت ویراست: ویراست ۲
 مشخصات نشر: تهران: آرمان رشد، ۱۴۰۰
 مشخصات ظاهری: ۲۰۱ ص
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۳-۴۹۷-۷
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ (Persian Fiction -- 20th century)
 رده‌بندی کنگره: PIR ۸۰۲۲
 رده‌بندی دیویی: ۸۴۳/۶۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۱۴۸۸۴
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

گلرخ

مریم حسنی (راد)

سرویراستار: مژگان مدیری
 ویراستاران: سمانه سعادتیان، زینب حیدری فرد
 مدیر فنی: سحر عظیمی
 ناظر چاپ: سید علیرضا صالحی
 شماره‌گان: ۳۰۰
 صفحه‌آرا: سیده سمانه حسن‌زاده
 نوبت و سال چاپ: اول- ۱۴۰۰
 طراح جلد: شیوا بهرامی



تهران، خ انقلاب، بین خ دانشگاه و خ ابوریحان، پلاک ۱۱۸۲، طبقه ۱۰
 info@armanroshd.com ✉

۶۶۴۸۶۰۱۳ 📞

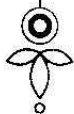
www.armanroshd.com 🌐

۰۹۲۱۴۳۸۱۷۷۴ ☎

قیمت: ۷۱۰/۰۰۰ ریال

۷	مقدمه
۹	فصل اول: آشنایی
۱۹	فصل دوم: خیاطی
۲۵	فصل سوم: موتورسواری
۳۵	فصل چهارم: خواستگاری
۴۳	فصل پنجم: مجید
۵۱	فصل ششم: تردید
۵۷	فصل هفتم: سربازی
۶۳	فصل هشتم: محرمیت غیرمنتظره
۷۷	فصل نهم: اتفاق شوم
۸۵	فصل دهم: روزهای تلخ
۸۹	فصل یازدهم: خاطرخواهی
۹۷	فصل دوازدهم: بارداری
۱۱۳	فصل سیزدهم: ناجی
۱۲۵	فصل چهاردهم: ازدواج

۱۳۱	فصل پانزدهم: کیان
۱۳۷	فصل شانزدهم: بهرام و کلچهره
۱۴۳	فصل هفدهم: بخشش
۱۵۷	فصل هجدهم: سی سال بعد
۱۶۱	فصل نوزدهم: خاطرات گلرخ
۱۶۷	فصل بیستم: خاطرات احمد
۱۹۹	فصل بیست و یکم: پایان



◆ مقدمه

این افتخار را دارم که همواره افرادی دل‌سوز حمایت‌م کرده‌اند و پیشروی به‌سوی افق‌های روشن و انگیزه‌های قوی را مرهون آن‌ها هستم. شاید بیشتر از همه، دانش‌آموزانی که من را دوست خود دانسته و از اوضاع و احوال خودشان برایم می‌گویند، انگیزه‌موتس را در من تقویت کرده‌اند. به‌گونه‌ای که بر آن شدم تا از گفته‌هایشان بنویسم. شاید بررسی‌های آیندگان باشد. این کتاب، خاطراتی از زمان‌های نه‌چندان دور است. خاطرات گل‌رخی که هیچ‌وقت از فکر اتفاق شومی که برایش افتاد رها نشد.

شیطان همیشه در کمین است و از غفلت انسان نهایت استفاده را می‌برد. خواهش می‌کنم هوشیار باشیم و ببینیم با یک تصمیم اشتباه، ممکن است به چه دردسرهای بزرگی بيفتیم.

به نظر شما آیا بعضی از لذت‌های آنی، ارزش این همه حقارت را دارد؟



همیشه به همسرم، سعید، توجه ویژه دارم؛ اما دخترانم موتس و مهلا که بی‌تمنا دوستشان دارم و عاشقشان هستم، با آرام‌نگه داشتن فضای خانه کمک بسیاری به من کرده‌اند. آن‌ها نوشته‌هایم را می‌خوانند و در عین خوش‌حالی به من قوت قلب می‌دهند و تشویق و تحسینم می‌کنند.